

Analyzing and Investigating the Functions of the Center for Intellectual Development of Children and Teenagers in the Second Pahlavi Period

Hasan Shamsabadi*

Amir Aazimii Dovlatabadi**

Abstract

The Center for Intellectual Development of Children and Adolescents began to operate as one of the cultural institutions in the second Pahlavi period, in 1344. The main question is, what were the functions and malfunctions of the center in relation to the Pahlavi government and Iranian society? In this research, with a historical approach and based on the documentary method and relying on the main sources and documents of archival centers, magazines and oral interviews, the center's activities have been discovered, described and analyzed. The findings of the research show that this cultural institution, during its twelve years of operation, by establishing several libraries and carrying out various activities in the field of books, theater, cinema, animation and music, provides children and teenagers with books, cultural activities and most importantly what He passed around them and introduced them. Although the center by attracting a part of the intellectuals of the left and protesting the government, it made them passive to a great extent; However, he could not fulfill the task of raising a generation loyal to the ideal of the Pahlavi monarchy, which should be prepared for "entering the stage of modernity" and great civilization. Therefore, the center for the Pahlavi government is dysfunctional; But it has had positive hidden functions for

* Researcher of contemporary history of Iran and Islamic revolution (Corresponding Author),
hasanshamsabady@yahoo.com

** Assistant Professor of Sociology Department, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research
Institute, aazimii@yahoo.com

Date received: 2022/04/04, Date of acceptance: 2023/04/10



Iranian society. Writers, directors, actors and painters who started their careers from the center, after the overthrow of the Pahlavi government, their art was put at the service of the revolution.

Keywords: Center (Kanon) for intellectual development of children and teenagers, functional analysis, Pahlavi regime, dysfunctional, legitimization.

تحلیل و بررسی کارکردهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی دوم

حسن شمس آبادی*

امیر عظیمی دولت آبادی**

چکیده

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی در دوره پهلوی دوم، در سال ۱۳۴۴ شروع به فعالیت کرد. پرسش اصلی این است که کارکردها و کژکارکردهای کانون در ارتباط با حکومت پهلوی و جامعه ایران چه بوده است. در این پژوهش با رویکرد تاریخی و براساس روش اسنادی و با اتکا به منابع اصلی و مدارک مراکز آرشیوی، مجلات، و مصاحبه شفاهی، به کشف، توصیف، و تحلیل فعالیت‌های کانون پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این نهاد فرهنگی، طی دوازده سال فعالیت، با تأسیس کتابخانه‌های متعدد و انجام فعالیت‌های متنوع در حوزه کتاب، تئاتر، سینما، انیمیشن، و موسیقی کودکان و نوجوانان را با کتاب، فعالیت‌های فرهنگی، و از همه مهم‌تر، آنچه در پیرامون آن‌ها می‌گذشت آشنا کرد. اگرچه کانون با جذب بخشی از روشن‌فکران چپ و معترض به حکومت، آنان را متحد زیادی منفعل کرد، نتوانست به وظیفه تربیت نسلی وفادار به آرمان سلطنت پهلوی، که می‌بایست برای «ورود به مرحله تجدد» و تمدن بزرگ آماده شوند، عمل کند. لذا کانون برای حکومت پهلوی دارای کژکارکرد، اما برای جامعه ایران دارای کارکردهای پنهان مثبت بوده است. هنر نویسندگان، کارگردانان، بازیگران، و نقاشانی که کار خود را از کانون آغاز کردند، بعد از سرنگونی حکومت پهلوی، در خدمت انقلاب قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تحلیل کارکردی، رژیم پهلوی، کژکارکرد، مشروعیت‌بخشی.

* پژوهش‌گر تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)، hasanshamsabady@yahoo.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، aazimii@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱



۱. مقدمه

تحلیل‌های کارکردی به‌طور معمول بر تحلیل جوامع، فرهنگ‌ها، و سازمان‌ها تمرکز دارند (ریتزر ۱۳۹۲: ۱۵۶) و عمدتاً به‌خوبی از عهده توصیف و تبیین این مفاهیم براساس پی‌آمدهای آن‌ها برمی‌آیند (بودون و بوریکو ۱۳۸۵: ۵۴۹). درعین‌حال، این تحلیل‌ها به‌اندازه کافی به تاریخ توسعه و تکامل آن‌ها نمی‌پردازند (ریتزر ۱۳۸۲: ۱۵۰). البته به‌عقیده بودون (۱۳۸۵) بی‌توجهی به تاریخ و ویژگی ذاتی این تحلیل‌ها نیست و می‌توان از رویکردهای تاریخی برای تکمیل این‌گونه تحلیل‌ها استفاده کرد. به‌عبارت‌دیگر، تحلیل‌های کارکردی و تاریخی می‌توانند مکمل یک‌دیگر باشند. این مقاله از همین منظر تلاش کرده است تا پی‌آمدهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را، به‌عنوان یکی از سازمان‌های فرهنگی رژیم پهلوی که فعالیت‌های آن بعد از سرنگونی این رژیم هم‌چنان تداوم یافته است، با استفاده از رویکرد کارکردی و تاریخی موردبررسی قرار دهد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف جمع‌آوری و تنظیم کتاب برای اطفال و نوجوانان در آذر ۱۳۴۴ تأسیس شد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۱، ج ۲۱۶، ۱۳۴۴/۹/۲: ۲۱۷). اما به‌تدریج فعالیت‌های خود را در زمینه‌های مختلف فرهنگی ازجمله امور کتاب‌خانه، حوزه نشر کتاب، امور سینمایی، و جشنواره‌های فیلم کودک و نوجوان گسترش داد. اولین و مهم‌ترین فعالیت کانون تأسیس کتاب‌خانه‌های متعدد در تمام مناطق شهر تهران و شهرستان‌ها بود. در آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۵، اولین کتاب‌خانه کانون شروع به کار کرد و در همان سال اول فعالیت، ۶۲۰۰ عضو و بالغ‌بر ۵۸۳۱۱ مراجعه‌کننده داشت. تعداد کتاب‌خانه‌های کانون در تهران تا اواخر سال ۱۳۴۶ به ده کتاب‌خانه رسید که اغلب آن‌ها در مناطق جنوبی شهر تهران تأسیس شدند. در سال ۱۳۵۰، حدود ۲۱ کتاب‌خانه ثابت و سه کتاب‌خانه سیار با ۷۰۳۸۸ عضو و در شهرستان‌ها ۵۵ کتاب‌خانه ثابت با ۱۸۳۱۷۱ عضو فعالیت می‌کردند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۲، ج ۲۰، ۱۳۴۶/۱۰/۵: ۲۰). ایجاد کتاب‌خانه‌های روستایی نیز در کانون از همان ابتدای تأسیس موردتوجه قرار گرفت. برطبق یکی از گزارش‌های دفتر مخصوص فرح پهلوی، در سال ۱۳۵۰، حدود ۱۰۷۱ روستا و بالغ‌بر ۱۲۷۱۱۰ نفر از خدمات کتاب‌خانه‌های روستایی استفاده می‌کردند (همان: ۱۰۴). با افزایش نرخ باسوادی در ایران، زمانی‌که در یک دوره حدوداً ده‌ساله از سال ۱۳۳۲ تا اوایل دهه چهل، تعداد دانش‌آموزان از ۷۳۰ هزار نفر به دو میلیون و هفت‌صد هزار نفر رسید (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۲، ج ۱۹، ۱۳۴۶/۹/۱۸: ۱۹)، فعالیت‌های کانون بیش‌ازپیش اهمیت یافت.

نکته مهم این است که با شتاب گرفتن روند اصلاحات فرهنگی و اجتماعی در ایران، ایجاد هویت فرهنگی جدید و آماده‌سازی نسلی نو و معتقد به میهن برای ورود به دوران تجدد ضروری بود (اطلاعات، س ۴۵، ش ۱۳۳۰۳، ۱۳۴۹/۷/۱: ص آخر). نهادهای فرهنگی، از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، موظف بودند این امر را برآورده کنند.

این تحقیق تلاشی است برای بررسی نتایج و پی‌آمدهای تأسیس کانون برای رژیم پهلوی و به‌طور مشخص، در پی پاسخ به این پرسش است که کانون چه کارکردها و کژکارکردهایی در ارتباط با حکومت پهلوی و جامعه ایران داشت. به عبارت دیگر، کارکردهای آشکار و پنهان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی دوم کدام‌اند و کانون چه کارکردها و کژکارکردهایی در ارتباط با رژیم پهلوی دوم داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره کانون چندین پژوهش انجام شده است. کتاب یک شاخه در سیاهی جنگل دربردارنده چند مصاحبه و گفت‌وگو با علی میرزایی است که در سال‌های مختلف و در نشریه‌های گوناگون منتشر شده‌اند. مصاحبه‌شونده از مدیران کتاب‌خانه‌های کانون بوده و مطالب وی به‌طور عمده بر فعالیت‌های کتاب‌خانه‌های کانون تمرکز دارد. داریوش پارسائزاد در پژوهشی با عنوان «جریان‌های فکری حاکم بر تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با روش تاریخ شفاهی» (۱۳۹۶) دیدگاه‌های غالب بر کانون را در سه مقطع قبل از پیروزی انقلاب، دوره جنگ تحمیلی، و دوره دولت سازندگی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که تفکر چپ‌گرایی، انقلاب اسلامی، و جریان محافظه‌کارانه به ترتیب بر فضای کانون در سه دوره مذکور حاکم بوده است. بتول احمدی در تحقیقی با عنوان «بررسی کتاب‌خانه‌های کودکان و نوجوانان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (۱۳۵۱) پراکندگی و موقعیت جغرافیایی کتاب‌خانه‌های کانون در شهرهای مختلف و ساختار و تشکیلات آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. منصور کدیور در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل محتوای کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دو مرحله پیش و پس از انقلاب اسلامی (۱۳۶۱-۱۳۶۲) به بررسی محتوای سیاسی و اجتماعی آثار مکتوب در کانون پرداخته است. یافته‌های پژوهش او بیان‌گر آن است که آثار شاخص در کانون بیش‌تر به دنبال برآورده کردن دغدغه‌های اعتراضی و سیاسی روشن‌فکران بوده و نویسندگان و هنرمندانی که در کانون مشغول بودند عموماً رویکردی سیاسی و ضد‌حکومتی داشتند. وحید طوفانی اصل در پژوهشی با عنوان «مقایسه کمی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۷ و ۱۳۵۸-۱۳۶۷» (۱۳۶۹)

به مقایسه کمی کتاب‌های منتشرشده توسط کانون در این دو مقطع پرداخته است. در این اثر جزئیاتی درباره موضوع، تیراژ، تعداد کتاب‌های تجدیدچاپ‌شده، گروه‌های سنی، پدیدآورندگان، و مصوران هریک از کتاب‌ها آمده است. مریم محمدی در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی نقش حیوانات در داستان‌های فارسی کودکان منتشره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵-۱۳۷۱) «(۱۳۷۹) با بررسی نقش هریک از حیوانات در کتاب‌های داستانی کانون، نتیجه گرفته است که تعاون و همکاری و نفی دروغ‌گویی با ۱۸/۶، مهربانی با ۱۵/۵ و پس از آن وحدت و هم‌دلی با ۱۲/۴ درصد، به ترتیب بیش‌ترین فراوانی موضوعات کتاب‌ها را تشکیل می‌دهند. محمود طاهر احمدی در مقاله‌ای با عنوان «از شورای کتاب کودک تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۱-۱۳۵۷)» (۱۳۸۲) تنها به بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری کانون پرداخته و اساساً به تحلیل محتوای کتاب‌ها ورود نکرده است. سعید شریفی در مقاله «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (۱۳۷۷) به نهادهای فرهنگی سیاست‌گذار در حوزه کودکان و نوجوانان در دوره قبل از انقلاب پرداخته است و از سه نهاد شورای کتاب کودک، مرکز انتشارات آموزشی، و کانون به عنوان مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار در این حوزه نام برده است. فروغ رحیمی در مقاله «تاریخچه، ساختار و تشکیلات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (رحیمی ۱۳۸۷) به اختصار درباره تأسیس کانون و تشکیلات آن توضیح داده است. در ماه‌نامه فرهنگی و هنری آنگاه (ش ۲: بهار ۱۳۹۶)، ضمن گفت‌وگو با چند تن از دست‌اندرکاران کانون، فعالیت‌های فرهنگی مختلف کانون نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

آثار فوق به طور عمده بر گزارش و بررسی عملکرد کانون متمرکز بوده‌اند و پی‌آمدهای عملکرد آن را به عنوان یک نهاد فرهنگی مرتبط با نظام بزرگ‌تر (جامعه ایران و حکومت پهلوی) مورد توجه قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال آن است که با استناد به مدارک و اسناد معتبر، کارکردها و کژکارکردهای کانون را به عنوان یک نظام و نهاد فرهنگی در ارتباط با نظام‌های بزرگ‌تر در دوره پهلوی دوم مورد بررسی قرار دهد.

۳. چهارچوب نظری: تحلیل کارکردی

به رغم تمام مناقشات بی‌پایان لفظی و نظری پیرامون «کارکردگرایی» و اتهام‌های غایت‌شناسانه (تبیین امور براساس کارکرد آن‌ها) و همان‌گویانه به تبیین‌های کارکردی (بنگرید به لیتل ۱۳۷۳؛ کرایب ۱۳۷۶؛ ترنر ۱۳۹۴)، به نظر می‌رسد یکی از ره‌یافته‌هایی که هم‌چنان به خوبی به کار تبیین پدیده‌ها و نهادهای فرهنگی براساس پی‌آمدهای آن‌ها می‌آید تبیین کارکردی است.

به بیان اسکیدمور، جان کلام کارکردگرایی بسیار ساده است: یک کل مرکب از اجزاست؛ اجزایی که آن را به وجود آورده و در بقای آن سهیم اند. البته هم اجزا و هم کل ممکن است تغییر پیدا کنند. ایده کل بیرون از اجزا، کل نیازمند اجزا و اجزای نیازمند کل است که کارکردگرایی را به صورت یک نظریه درمی آورد. چنین نظریه ای می تواند درباره خانواده، دولت، یک آیین فکری، یک نهاد، و یک جامعه به کار برود. کارکردگرایی در پی این نیست که برای فهم حیات اجتماعی، آن را در هم بشکند و به کوچک ترین اجزا تقلیل دهد، بلکه درصدد است ماهیت درهم تافته، زنده، و متقابلاً سازگار یک نظام اجتماعی را در کلیتش بفهمد. این امر مستلزم آن است که ما در اجزا وحدتی را بازشناسیم که براساس آن، اجزا و کل در هم تنیده شده و یک هویت به دست آورده باشند (اسکیدمور ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۶۶).

براساس تحلیل کارکردی، هر جامعه یا هر بخش از آن یک نظام است. ایده جامعه به عنوان نظام، سه ویژگی مهم دارد: ۱. هر نظام از مؤلفه ها یا اجزای جداگانه متعددی تشکیل می شود. ۲. مؤلفه های نظام ها متقابلاً به یکدیگر وابسته یا با هم مرتبط اند، به طوری که تغییرهای پدیدآمده در یک جزء دست کم در یک جزء دیگر تغییراتی پدید می آورد. ۳. از آن جاکه اجزای یک نظام متقابلاً به هم وابسته اند، معمولاً در روابط متقابلشان به نوعی یک پارچگی، تعادل، یا حالت پایدار می رسند (استارک ۱۳۹۴: ۱۲۲).

معمول این است که اصطلاح «تحلیل کارکردی» به تبیین هایی اختصاص یابد که ما را در شناختن هستی یک نهاد، در نبود اطلاعات تاریخی درباره تکوین آن یا مرجع اطلاعات تاریخی موجود یاری دهد (بودون و بوریکو ۱۳۸۵: ۵۴۹). هم چنین این شاخه از تحلیل های علوم اجتماعی به جهت گیری نظری و روش شناسانه ای اطلاق می شود که در آن پی آمدهای پدیده های تجربی معین در مرکز تحلیل قرار می گیرند، نه علت های آنها. اصطلاح کارکردگرایی به مجموعه رهیافت های مختلفی اطلاق شده است که وجه مشترک همه آنها توجه به روابط یک بخش از جامعه با بخش دیگر یا شاید با کل جامعه است. تحلیل علی و کارکردی دو رهیافت جداگانه و متمایزند که لازم نیست حتماً رقیب یکدیگر باشند (آوتویت و باتامور ۱۳۹۲: ۲۴۰).

همان گونه که بودون و بوریکو یادآور شده اند، از یک طرف، مفهوم کارکرد لزوماً نه تصویر اندام واره ای جامعه ها را تداعی می کند نه با روش تبیین های غایت شناختی سازگار است و از طرف دیگر مفهوم «تحلیل کارکردی» رهیافت تحقیقی مشروعی است که هدف ها و اصول آن را به روشنی می توان تعریف کرد. برحسب زمینه های خاص تحقیق، تحلیل کارکردی می تواند از اطلاعات تاریخی و هم چنین از مطالعات تطبیقی استفاده کند. متقابلاً تحلیل تاریخی نیز

کم‌وبیش از ره‌یافت‌های تحلیل کارکردی استفاده می‌کند. بنابراین، اندرز روش‌شناختی دورکیم، که در کتاب *قواعد روش جامعه‌شناسی اعلام* شده است، هنوز معتبر است. تحلیل کارکردی و تحلیل ژنیک (تحلیل علت‌ها به‌گفته دورکیم) دو ره‌یافت متکامل هستند که تلفیق آن‌ها، هرگاه میسر باشد، توصیه می‌شود (بودون و بوریکو ۱۳۸۵: ۵۴۹-۵۵۰).

پیش‌گامان تحلیل کارکردی امیل دورکیم در فرانسه و هربرت اسپنسر در بریتانیا بودند. نحله دورکیمی را بعدها انسان‌شناسانی چون رادکلیف براون و برونیسلاو مالینوفسکی در بریتانیا و جامعه‌شناسانی مانند تالکوت پارسونز و رابرت کی‌مرتن در آمریکا بسط و گسترش بیش‌تری دادند. بیش‌تر این پیش‌گامان به جوامع و نهادها هم‌چون نظامی می‌نگریستند که همه بخش‌ها در آن به‌خوبی به یک‌دیگر وابسته‌اند و با هم کار می‌کنند تا تعادل و یک‌پارچگی اجتماعی برقرار شود. آن‌ها اعتقاد داشتند هر عنصری که در حفظ کلیتی بزرگ‌تر سهم و نقش دارد عامل مثبتی است. آن‌ها جامعه را با این پرسش تحلیل می‌کردند که آیا ساختارهای فرهنگی و اجتماعی به‌خوبی یک‌پارچه شده‌اند یا به‌شکل بدی در هم آمیخته‌اند. آن‌ها هم‌چنین به کمک‌ها و پی‌آمدهایی علاقه‌مند بودند که آداب‌ورسوم و نهادها به جوامع می‌رسانند.

اما در این میان، مرتن از طریق پارادایم خود برخی از جنبه‌های مهم نظریه کارکردگرایانه را روشن و بر آن‌ها بازتمرکز کرد. مهم‌ترین آن‌ها تأکید او بر کژکارکردها، تمییز او بین کارکردهای آشکار و پنهان، مفهوم بدیل‌های کارکردی او، و هم‌چنین فهم و درک سازوکارهایی بود که کارکردها از طریق آن‌ها محقق می‌شوند (والاس و ولف ۱۳۹۶: ۹۵-۹۶).

مفهوم کژکارکرد به این موضوع اشاره دارد که ساختارها یا نهادها همان‌طور که می‌توانند در نگهداری بخش‌های دیگر نظام اجتماعی سهم باشند، می‌توانند پی‌آمدهای منفی‌ای نیز برای آن داشته باشند (ریتزر ۱۳۹۲: ۱۵۷). علاوه‌براین، هر ساختار یا نهادی لازم نیست، به‌طور کلی کارکردی یا کژکارکردی باشد، بلکه به‌جای آن ممکن است برای برخی از افراد و گروه‌ها کارکردی و برای برخی دیگر کژکارکردی به‌شمار رود. مرتن هم‌چنین بین کارکرد آشکار و پنهان تمایز قائل می‌شود. کارکردهای آشکار یعنی پی‌آمدهایی که افراد مشاهده می‌کنند. کارکردهای پنهان هم پی‌آمدهایی است که نه بازشناخته می‌شوند و نه عملی‌اند (والاس و ولف ۱۳۹۶: ۹۸-۱۰۲). وی با مفهوم بدیل‌های کارکردی، به‌صراحت این ایده را رد کرد که نهادهای موجود چیزهای ضروری و به‌طور ضمنی خوب هستند. او بر این امر تأکید کرد که تنها نهادهای ویژه و معین نیستند که می‌توانند این کارکردها را محقق سازند. بنابراین هیچ ساختار اجتماعی معینی تافته جدابافته نیست، برعکس، گستره وسیعی از بدیل‌های کارکردی یا جانشین‌ها می‌توانند همین وظیفه را انجام دهند (والاس و ولف ۱۳۹۶: ۱۰۳-۱۰۴).

۴. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یک نهاد فرهنگی

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با مدیریت لیلی امیرارجمند، از دوستان صمیمی فرح پهلوی، در ۲۳ آذر ۱۳۴۴ تحت نظارت فرح و زیر نظر دفتر او تأسیس شد (حکمت و سیاست ۱۳۹۳: ۷۷؛ ساکما ۴۵۴۹۳-۲۹۷؛ مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۱، ج ۲۸۹، ۱۳۴۵/۷/۲۱: ۲۹۰). ایده تأسیس کانون توسط یکی از استادان خانم لیلی امیرارجمند در آمریکا به نام پرفسور مری گیور در دانشگاه راتگرز مطرح شد (بازخوانی پرونده تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان youtube.com/watch). هرچند در ابتدای کار، او نیز فکر نمی کرد که تأسیس اولین کتابخانه به تشکیل کانون بینجامد (گفت و گوی ویژه رسانه افق ایران و تلویزیون اندیشه با فرح پهلوی youtube.com/watch). البته احسان یارشاطر مدعی است که از این ایده حمایت کرده و نام کانون را او پیش نهاد داده و یک آیین نامه داخلی برای آن تهیه کرده است (چرخچی ۱۳۹۶: ۹؛ میرزایی ۱۳۹۹: ۱۷۵). علاوه بر تأسیس کتابخانه، به تدریج اهداف دیگری هم برای کانون در نظر گرفته شد. پاسخ گویی به نیازهای فکری و هنری و ایجاد نیازهای جدید در اندیشه نسل نو، به دلیل عدم پاسخ گویی به این نیازها از سوی آموزش و پرورش و پرکردن اوقات فراغت آنها باعث شد که این نهاد شکل بگیرد (ارشدی ۱۳۹۶: ۸۲).

کانون به عنوان زیرمجموعه دفتر فرح پهلوی فعالیت می کرد. مدت زمانی که برای فعالیت کانون در نظر گرفته شده بود نامحدود بود و مرکز اصلی آن در تهران قرار داشت. در ذیل ماده چهارم اساس نامه آمده بود که «کانون مؤسسه ای است خیریه و غیرانتفاعی و غیربازرگانی و دارای شخصیت حقوقی» (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲ ص ۲). نفوذ فرح پهلوی بر این نهاد سبب شد تا هیئت امنای کانون از کارگزاران حکومتی انتخاب شوند. آنها با دستور فرح پهلوی بدین سمت منصوب می شدند. این افراد عبارت بودند از وزیر دربار شاهنشاهی، وزیر فرهنگ و هنر (کابینه حسنعلی منصور به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۴: ۱۵۶/۳)، وزیر آموزش و پرورش، وزیر کشور، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، مدیرکل بانک ملی ایران، مدیر روزنامه کیهان، مدیر روزنامه اطلاعات (مسعودی ها به روایت اسناد ساواک ۱۳۹۲: ۴۳۴)، مدیرعامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، رئیس دفتر مخصوص فرح پهلوی، مدیرعامل جمعیت حمایت کودکان، مدیرعامل شرکت سهامی افست (چاپخانه ۲۵ شهریور)، اطلاعات، ش ۱۲۱۵۸، ۱۳۴۵/۹/۲۴: ۱، ۱۹)، رئیس مؤسسه انتشارات فرانکلین ایران (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲: ۳) و دو نفر از میان کسانی که در امور فرهنگی و تعلیم و تربیت و روان شناسی کودکان صاحب تجربه باشند. هیئت مدیره از پنج نفر تشکیل می شد که با پیش نهاد هیئت امنای تصویب ریاست عالی کانون (فرح پهلوی) به مدت دو سال انتخاب می شدند.

در ماده پنجم هدفِ کانون این گونه بیان شده بود: «پرورش فکری و ذوقی و اندیشه کودکان و نوجوانان و تقویت فضایل اخلاقی و توسعه معلومات آنان از طریق مواد خواندنی و وسایل سمعی و بصری» (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲، ص ۲). در یکی از اسناد ساواک نیز هدف از تشکیل کانون بالابردن سطح فرهنگ کودکان و یاددادن روش درست زندگی به آنها، پرکردن اوقات فراغت بچه‌ها و نوجوانان، مبرابودن از آلودگی‌های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی، افزایش روح همکاری و تعاون در بین فرزندان ایران، و آرام کردن عواطف تند و سرکش نوجوان‌ها یاد شده است (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵، ص ۲۳۱؛ زنان دربار به روایت اسناد ساواک، لیلی امیرارجمند ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۳۶). البته فرح پهلوی «قبول آسان‌تر افکار جدید و پی بردن به مفهوم واقعی اخلاق، ادب و قبول مسئولیت‌ها، و سرانجام ورود به مرحله تجدد» را هدف تأسیس کانون دانسته است (کهن دیارا ۱۳۸۸: ۱۴۲).

یکی از مهم‌ترین اقدامات کانون برای برآورده شدن این اهداف ایجاد کتاب‌خانه‌های کودک و انتشار کتاب بود، چرا که با تأسیس کتاب‌خانه‌های کودک، آنچه پیش‌ازپیش موردنیاز بود، پرکردن کتاب‌خانه با کتاب‌های مناسب و ویژه کودک و نوجوان بود. تألیف و انتشار کتاب کودک پیش‌ازآن وضعیت خوبی نداشت. در سال ۱۳۴۱ نزدیک به شصت عنوان کتاب کودک با تیراژ دوهزار نسخه در کشور منتشر شد. این تعداد در سال ۱۳۴۲ به دوبرابر رسید. البته این افزایش دوبرابری هنوز فاصله زیادی با شمار خوانندگان کودک داشت. در اولین سمینار شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۲ ظرفیت بازار کتاب‌های کودک و نوجوان با در نظر گرفتن حداقل یک کتاب برای یک خانواده که دارای سه کودک بود و در نظر گرفتن جمعیت سه‌میلیونی نوآموزان و دانش‌آموزان، حداقل یک میلیون کتاب اعلام شد (ماه‌نامه شورای کتاب کودک، س ۱، ش ۶: ۱۳-۱۴). در این شرایط، سازمان انتشارات کانون در اسفندماه ۱۳۴۵ تأسیس شد (گزارش سالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۵۲۸: ۹). برای این منظور سازمان انتشارات کانون قرار بود «هم نیاز مطالعه‌کننده را برآورد و هم ناشران دیگر را در یافتن بینشی عمیق درخور نیازهای اساسی جامعه امروز یآوری کند» (همان). هم‌چنین سازمان می‌بایست «در زمینه‌های داستان‌های فولکلوریک ایرانی و قصه‌های آموزشی و هنری و کتاب‌های علمی و ادبی بهترین نوشته‌ها را گردآورد و به چاپ و نشر آنها مبادرت نماید» (همان: ۹-۱۰). علاوه‌براین، کتاب‌های موجود به لحاظ شکلی و محتوایی کیفیت چندانی نداشتند و نمی‌توانستند ذوق مطالعه را در کودکان و نوجوانان برانگیخته سازند. در نتیجه انتخاب موضوع مناسب، محتوای مفاهیم استفاده‌شده، زبان، انتخاب تکنیک نقاشی، صفحه‌آرایی، چاپ و صحافی، قیمت، و ... برخی از شاخصه‌هایی بودند که انتشارات کانون به آنها توجه کرد (آیندگان، ش ۷۹،

۱۳۴۶/۱۲/۳۰: ۱۵). دعوت از نویسندگانی چون غلامحسین ساعدی، محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، سیلوش کسرابی، نیما یوشیج، و ثمین باغچه‌بان و هم‌چنین نقاشان و طراحان به‌نامی چون فرشید مثقالی و بهمن دادخواه، کتاب‌های کانون را در زمره کتاب‌های پرمخاطب کودکان و نوجوانان قرار داد. کانون علاوه بر کتب تألیفی، با کمک محمد قاضی، لیلی گلستان و دیگر مترجمان، رمان‌های مطرح دنیا را به فارسی ترجمه می‌کرد (ارشادی ۱۳۹۶: ۸۵). بهترین نویسندگان و مترجمان و تصویرپردازان کشور در کانون مشغول فعالیت شدند (قاضی ۱۳۷۱: ۴۱۱). انتشارات کانون در سال ۱۳۵۴، بیست کتاب جدید منتشر کرد و چهارده کتاب تجدیدچاپ‌شده با تیراژی معادل ۲۵۶۰۰۰ نسخه منتشر شد. در سال ۱۳۵۵ سیزده کتاب جدید منتشر و حدود پانزده کتاب هم تجدیدچاپ شدند. در این سال به‌مناسبت راه‌اندازی کتاب‌خانه کودک در کشور اردن که به‌کمک کانون تأسیس شد، برای اولین بار، چهار کتاب به عربی ترجمه و چاپ شد (کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره دهم، ش ۱، ۱۳۵۱: ۶). سال ۱۳۵۶ سال پرفعالیتی برای سازمان انتشارات کانون بود. در این سال سازمان با ۲۳ کتاب جدید در ۳۲۰ هزار نسخه، ۵۳ عنوان کتاب تجدیدچاپ‌شده در ۵۳۰ هزار نسخه و تهیه دوازده شماره از نشریه کارنامه به رکورد تازه‌ای دست یافت (کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره ۱۱، ش ۱، ۱۳۵۷: ۳). علاوه بر این، کتاب‌های کانون توانست توجه مخاطبان داخلی را جلب کند، به‌طوری که برخی کتاب‌ها به چاپ‌های پنجم و ششم رسیدند و در هر نوبت چاپ نیز کم‌ترین تیراژ ده هزار جلد بود. این نحوه ارائه کتاب کودک به‌هیچ‌وجه در ایران سابقه نداشت و کانون برای نخستین بار اهمیت صفحه‌آرایی، تصویرگری، چاپ و قطع مناسب را با الگوهای محلی به ناشران ایرانی آموزش داد. تأثیر کتاب‌های کانون بر تولیدات سایر ناشران چنان بود که تا مدت‌ها قطع خشتی کتاب‌های کودکان به «قطع کانونی» شهرت داشت (شریفی ۱۳۷۷: ۳۳؛ بزرگیان ۱۳۹۳ الف: ۱۰۳؛ فولادوند ۱۳۸۵: ج ۲، ۱۳۲۱).

به‌لحاظ محتوایی، کتاب‌های کانون دربردارنده مجموعه‌هایی چون قصه‌های ایرانی، فرهنگ اسلامی، زندگی‌نامه‌ها، هنر ایرانی، دانش، و داستان‌های بلند بودند. البته انتشارات کانون در جهت حمایت از سیاست‌های حکومت پهلوی و نهاد سلطنت هم گام برداشت. دو کتاب پیمان و پیوند و درخت سایه‌گستر دقیقاً در این راستا تألیف شدند. پیام اصلی کتاب پیمان و پیوند اصول انقلاب سفید بود که در قالب قصه برای کودکان و نوجوانان مطرح شده بود. در این کتاب آمده است که شاه با صدور فرمان انقلاب سفید، رفاه و آسایش را برای مملکت به‌ارمغان آورد و کشور را به دروازه‌های بزرگ هدایت کرد. در کتاب درخت سایه‌گستر خاندان پهلوی بسان درختی پربار و مهربان ترسیم شده که قبل از او سرزمین ایران خراب و وابسته به

بیگانه و استبداد بود. کتاب *روایت زندگی رضاشاه* از تولد او در روستای آلاشت تا به قدرت رسیدن و پادشاهی اوست. در این کتاب رضاشاه مردی بلندقامت، سرشار از غیرت و دلیری، باهوش، پرتوان، و میهن پرست معرفی شده است. در ادامه هم زندگی محمدرضاشاه و شرح مختصری از انقلاب سفید و اصول شش گانه آمده است. هرچند به گفته لیلی امیرارجمند، مدیرعامل کانون، این دو کتاب با استقبال روبه رو نشد (مصاحبه با لیلی امیرارجمند ۱۳۹۴). علاوه بر این، در کتاب *کوروش شاه* شرح تاریخی زندگی کوروش هخامنشی از کودکی تا زمان مرگ او بازگو شده بود. در این کتاب بر وجود فره ایزدی در کالبد شاهان بزرگ ایران تأکید شده و کوشیده شده است تا شاه را به عنوان فردی عدالت پرور و سیاست مدار معرفی کند.

کتابخانه های کانون بی شک یکی از مهم ترین ارکان کانون و جزو موفق ترین و مؤثرترین واحدهای کانون در راه تحقق اهداف این نهاد فرهنگی و برای پرورش ذوق و استعداد کودکان و نوجوانان محسوب می شدند. «فیلم، تئاتر، انیمیشن و فعالیت های دیگر عناصر مثبتی بودند که بعدها به کانون اضافه شدند. اما درواقع نکته اساسی، همان کتابخانه و جایی بود که بچه ها بتوانند در آن با کتاب و کتابخوانی آشنا بشوند» (گفت و گوی لیلی امیرارجمند با بی بی سی فارسی ۱۳۹۴)، لذا «بهترین و مهم ترین کتابهایی که در سراسر جهان در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان و برای آنها نوشته شده بود، در این کتابخانه گردآوری شده بود تا نویسنده ها و طراحان کانون بتوانند از آنها الهام بگیرند» (آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: ۶). این نظر توسط غلامرضا امامی، از نویسندگان کتابهای کانون که به کتابخانه های کانون رفت و آمد داشت، هم مورد تأیید قرار گرفته است (همان).

کتابخانه های کودک با پرکردن اوقات فراغت دانش آموزان در تابستان، به ویژه کودکان و نوجوانان در جنوبی ترین مناطق شهر تهران، نقش مهمی در تعلیم و تربیت آنها ایفا کردند (اطلاعات، ش ۱۲۳۶۷، ۱۳۴۶/۶/۵: ۱۱). فرشید مثقالی ارزشمندترین کار کانون را کتابخانه های آن می داند که کارهای فرهنگی مختلفی در آن انجام می شد و بیش تر کسانی که بعدها به فیلم ساز، موسیقی دان، گرافیست، و ... تبدیل شدند کارشان را از کتابخانه های کانون آغاز کردند (مثقالی ۱۳۸۱: ۴۹). کتابخانه ها تنها محلی برای کتابخوانی و امانت گرفتن کتاب نبود، بلکه در اغلب آنها فعالیت هایی مانند داستان سرایی، معرفی کتاب، معرفی شخصیت های علمی و هنری ایران و جهان، معرفی سرزمین ها و ملت ها، نمایش فیلم، اجرای تئاتر و موسیقی، شطرنج، و بحث آزاد انجام می شد (Ardehali 2014: 2). تنوع این فعالیت ها باعث شده بود کتابخانه های کانون به مراکزی تبدیل شوند که حس مسئولیت پذیری و آموختن آداب همزیستی مسالمت آمیز را به اعضایش، که کودکان و نوجوانان بودند، منتقل سازد.

۵. کانون و رژیم پهلوی

در دوره پهلوی دوم، همه سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی هم زیر نظر و کنترل سازمان امنیت کشور (ساواک) قرار داشتند. کانون پرورش فکری هم از این امر مستثنی نبود. ساواک همواره نیروهای مخفی خود را در کانون داشت و از طریق آن‌ها روی دادهای کانون را تحت‌مراقبت قرار می‌داد. اداره کل سوم ساواک در این زمینه نقش مستقیم داشت. ثابتی رئیس آن اداره یکی از اعضای ثابت مدعو در مراسم‌های کانون بود (قانع‌راد ۱۳۹۱: ۲۹۱). ضمن این‌که کسانی که می‌خواستند در کانون مشغول به کار شوند ابتدا باید توسط ساواک مورد تأیید قرار می‌گرفتند (مراسان شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۳۷-۳۹). برطبق اسناد موجود، در یک مورد، اداره کل سوم ساواک با استخدام ۷۷ نفر در کانون مخالفت کرد (همان: ۲۳-۲۵).

ساواک همواره به فعالیت‌های کانون و افرادی که در آن فعالیت داشتند نگاه تردیدآمیز داشت و ادارات مختلف ساواک مأموریت داشتند تا این فعالیت‌ها را زیر نظر داشته باشند (همان: ۲۱۲). لذا ثابتی، ریاست اداره کل سوم، در یکی از گزارش‌هایش اعلام کرد که کانون «توسط افرادی اداره می‌شود که بعضی از آن‌ها صلاحیت خدمت‌گزاری در این کانون را ندارند» ضمن این‌که «در استخدام کارمند توجه لازم به سوابق داوطلبان نمی‌شود» (همان) حساسیت نیروهای امنیتی تنها به کارکنان و مسائل داخلی کانون و کتابخانه‌های آن محدود نمی‌شد و هرگونه ارتباط دیگر سازمان‌های داخلی یا خارجی با کانون، که در قالب نامه، تلفن، ارسال بسته پستی، و ... صورت می‌گرفت، زیر نظر ساواک قرار داشت و در سال‌های متوالی بیوگرافی کارکنان کانون برای بررسی بیش‌تر به ساواک ارسال می‌شد (همان: ۲۸۵). آن‌چه این بدبینی را تاحدودی کاهش می‌داد ارتباط مدیرعامل کانون با نهاد سلطنت و فرح پهلوی بود. گاه تماس تلفنی امیرارجمند کارکنان کانون را که در دام نیروهای امنیتی گرفتار بودند نجات می‌داد (بزرگیان ۱۳۹۳ ب: ۱۰۶-۱۰۷؛ میرزایی ۱۳۹۹: ۱۱۴-۱۱۵). درواقع او پلی بین حکومت و مخالفان چپ در کانون بود (Milani 2008: 838). این شیوه در انتشار کتاب‌های کانون هم جریان داشت. آوردن جملاتی که رنگ‌وبوی اسلامی یا مارکسیستی داشت باعث می‌شد که نویسنده بازداشت و زندانی شود. غلامرضا امامی، نویسنده کتاب *فرزند زمان خویشتن باش*، چون در مقدمه کتابش به نقل از امام علی (ع) نوشته بود که «افتخار به همت بلند است نه به استخوان پوسیده نیاکان» (بزرگیان ۱۳۹۳ ج: ۱۱۰) مورد مؤاخذه قرار گرفت.

باوجود نظارت شدید ساواک، اسناد و شواهد موجود بیان‌گر این است که در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، برخی از کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به

وضعیت جامعه معترض بودند و این اعتراض را علناً یا مخفیانه ابراز می‌کردند. اعتراضی که حتی در برخی موارد به اهانت به شخص اول مملکت هم منجر می‌شد. به‌عنوان نمونه، خواهر آذردخت منصور، که در کتاب‌خانه شماره چهارده مشغول بود، از جمله افرادی بود که به‌صورت علنی به شاه اهانت می‌کرد و همین مسئله باعث انتقال او از کتاب‌خانه شماره هفت کانون شد (مراسن، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۱۲۴-۱۲۵). در یکی دیگر از گزارش‌های ساواک تهران درباره وضعیت کتاب‌خانه‌های کانون در آبان ماه ۱۳۵۳ به‌صراحت آمده که برخی از کتاب‌داران کانون، از جمله فاطمه محتشمی، مهتاب اکبری، آذردخت منصور، و مهوش منصور، کودکان عضو کتاب‌خانه را تشویق به مطالعه کتاب‌هایی می‌کنند که در زمره کتاب‌های مضّر و علیه مصالح مملکتی قرار دارد (همان: ۱۲۸). با نزدیک شدن به سال‌های پایانی حکومت پهلوی اعتراض‌ها بیش‌تر شد. در سال ۱۳۵۶ غلامعلی مهبان، یکی از کارمندان کانون در شهری، به طرف‌داری از آیت‌الله خمینی برخاست (همان: ۲۹). در آبان ۱۳۵۶ برگه‌هایی از بیانیه وکلای دادگستری در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان توزیع شد. در این بیانیه از کلیه حقوق‌دانان دعوت شده بود که نهضت را یاری دهند (مراسن، شماره بازیابی ۳۱۶: ۱۳-۱۴). در روزهای هجدهم و نوزدهم مهرماه ۱۳۵۷ کارکنان کانون در تهران اعتصاب کردند (انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲: ج ۱۳، ۲۲۲، ۲۷۸). در زاهدان نیز موج اعتصاب‌ها به کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رسید و آن‌ها از ۲۵ مهرماه دست از کار کشیدند (رستاخیز، ش ۱۰۳۹: ۱، ۴، ۱۷؛ انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک ۱۳۸۳: ج ۱۴، ۴۷، ۱۱۱). اعتصاب‌ها به دیگر شعبه‌های کانون در شهرهای مختلف هم سرایت کرد. کارکنان کتاب‌خانه کانون در رشت دست از کار کشیدند و به صف اعتصاب‌کنندگان پیوستند (کیهان، ش ۱۰۵۹۰، ۱۳۵۷/۷/۲۷: ۲). در تهران هم کارکنان ساختمان مرکزی کانون در دی‌ماه ۱۳۵۷ از مطبوعات، که در مقابل سانسور و ایجاد اختناق توسط رژیم اعتصاب کرده بودند، حمایت کردند. آن‌ها با صدور بیانیه‌ای خواستار آزادی فوری و بدون شرط کلیه زندانیان سیاسی، به‌ویژه نویسندگان و محمود اعتمادزاده (به‌آذین) شدند. از دیگر خواسته‌های آن‌ها عزل مدیریت کانون و رسیدگی به سوءاستفاده‌های مالی بود (همان، ش ۱۰۸۹، ۱۳۵۷/۷/۲۶: ۴).

این‌ها تنها تعداد اندکی از نمونه‌هایی بود که نشان می‌دهند در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، فضای سیاسی انقلابی بر کانون حاکم شد و برون‌داد آن در فعالیت‌های کانون بروز و ظهور کرد. نویسندگان ادبیات داستانی اگرچه کتاب‌ها را برای کودک می‌نوشتند، مفاهیم اعتراض و انتقاد به عملکرد حکومت را از زبان حیوانات بیان می‌کردند. منصور خلج، از پیش‌کسوتان تئاتر کودک و نوجوان، که در کانون قبل از انقلاب فعالیت می‌کرد، در این باره چنین بیان می‌کند:

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۹۱

ادبیات آن موقع پر از تمثیل، استعاره و نمادهایی بود که همه کم‌وبیش مثل این‌که آن را می‌فهمیدند. معمولاً نه شیرها شیر بودند، نه سنجاب‌ها سنجاب بودند. همه این‌ها نمادهایی بودند از انسان‌هایی که بعدها ما تطبیق می‌دادیم. حتی سنگ و صخره هم نماد چیزهایی بود ... شیر، گرگ سمبل زورگویی و آن آدم بهره‌کشی بود که همواره حیوانات کوچک با هم‌دیگر سعی می‌کردند علیه او قیام کنند یا او را به‌قول معروف به زباله‌دان تاریخ بیندازند (ساکما، آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه با منصور خلج، ج ۲، ۱۳۹۷/۸/۶).

ظلم‌ستیزی از جمله مفاهیم به‌کاررفته در این کتاب‌ها بود. محسن بهشتی سرشت درباره محتوای کتاب ماهی سیاه کوچولو، که در ایام جوانی آن را در کتاب‌خانه کانون در نازی‌آباد مطالعه کرده، چنین می‌گوید: «صمد بهرنگی دارای گرایشات چپ بود، ولی کتاب داستان به‌گونه‌ای نوشته شده بود که کسی متوجه نمی‌شد که او قصد تبلیغ مارکسیسم را دارد. بهرنگی حقیقتاً طرفدار طبقات محروم بود» (خزائی ۱۴۰۰: ۹۴-۹۵؛ مصاحبه با دکتر محسن بهشتی سرشت، ۱۴۰۰/۸/۲۰).

به‌فراخور فضای انقلابی در کشور، دیگر تولیدات و محتواهای کانون هم تغییر کرد. ابوالفضل همتی آهویی، که در سال ۱۳۵۶ وارد کانون شد و در واحد نقاشی با پرویز کلانتری همکار شد، درباره این موضوع چنین می‌گوید: «انقلاب که شد حال‌وهوای بچه‌ها هم تغییر کرد. بچه‌ها به‌جای گل و بلبل حالا تظاهرات می‌کشیدند، سرباز و تانک و تفنگ، مثلاً نقاشی‌هایی که از آبادان می‌رسید پر بود از تصویرهایی از سینما رکس» (آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مصاحبه با ابوالفضل همتی آهویی ۱۳۸۲/۱۲/۲۳: ۵) احمدرضا احمدی، نویسنده کتاب من حرفی دارم که فقط بچه‌ها باور می‌کنند، سعی کرد «با رنگ‌ها و اشکال، افکار کودکان را به ناکامی و انقلاب آشنا سازد» (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۲۶۸-۲۶۹). در نتیجه ساواک از او به‌عنوان «دلقک کانون» یاد کرد که در قالب شوخی، حرف‌های خلاف مصالح مملکتی می‌زند (همان: ۴۴). در همین رابطه، تحلیل کارشناس اداره ساواک درباره فعالیت‌های کانون بسیار حائز اهمیت است.

باتوجه به این‌که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مؤسسه‌ای است بسیار مفید و وجودش مثمرتر برای کودکان و نوجوانان است، ولی متأسفانه افرادی در آن کانون به خدمت گرفته شده‌اند که مفهوم خدمت واقعی برای کودکان و نوجوانان مملکت را درک نمی‌کنند و تنها برای حفظ منافع شخصی خود یا پیشرفت اهداف خود فعالیت می‌کنند. ضمناً کودکانی که به کتاب‌خانه‌های کانون مراجعه می‌کنند شانزده الی هجده‌ساله هستند که امکان پذیرش هرگونه مطالبی را دارند که باید خیلی دقت کرد، تماس آن‌ها با افرادی که از نظر دستگاه شناخته‌شده

هستند قطع یا لااقل کم شود. متأسفانه در کانون این موضوع عملی نشده است. افرادی به پست‌های حساس گمارده شده‌اند که منفی‌اند و در هیچ شرایطی حاضر به قبول حقیقت نیستند؛ به‌ویژه افرادی نظیر نیونابت و میرزائی، که مدیران کتاب‌خانه‌های مناطق یک و دو هستند، که در رأس کتاب‌خانه‌های تهران و شهرستان‌ها گمارده شده‌اند و کارکردن این‌گونه افراد در رأس مشاغل به مصلحت نیست، استدعا می‌کرد توجه خاصی در این زمینه به‌عمل آید (همان: ۴۱-۴۲).

۶. کانون و جامعه ایران در بحبوحه انقلاب اسلامی

نگاهی به مراکز ایجاد کتاب‌خانه‌های تهران و اغلب شهرهای دیگر بیان‌گر این نکته است که بیش‌تر این کتاب‌خانه‌ها در مناطق جنوبی شهرها و فضاهای عمومی، از جمله مدارس و پارک‌ها، احداث شده‌اند. امام‌زاده حسن، بریانک، خیابان شوش، میدان راه‌آهن، نازی‌آباد، میدان شوش، خیابان شیر و خورشید، و خیابان مولوی نمونه‌هایی از این مراکز در تهران بودند (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۲۲۹؛ آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۸۲۸۸۳). در شهرستان‌ها نیز وضعیت به همین منوال بود (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۱۸۹-۱۹۳). علت انتخاب مکان‌های فوق این بود که بیش‌ترین جمعیت کودکان و نوجوانان در این نواحی زندگی می‌کردند و ازسوی دیگر به‌علت فقر و تنگ‌دستی خانواده‌های آن‌ها، اغلب اوقات فراغت خود را در کوچه و خیابان سپری می‌کردند.

بیش‌تر در مدرسی که بچه‌هایی که توانایی مالی به‌آن‌حد نداشتند که پدر و مادر برایشان کتاب بخرند - و اصولاً آن موقع کتاب زیادی هم برای بچه‌ها در ایران نبود - برای آن‌ها باید کار می‌کردیم. در نتیجه، با همکاری هما زاهدی که آن موقع وکیل مجلس بودند و دکتر احسان یارشاطر و یکی هم خانم آذر شهابی که از وزارت آموزش و پرورش گرفتیم، سوار ماشین می‌شدیم، یک مقدار کتاب خریده بودیم می‌گذاشتیم عقب ماشین، می‌رفتیم مدارس جنوب شهر که به بچه‌ها کتاب بدهیم (مصاحبه رضا گوهرزاد با لیلی امیرارجمند www.andisheh.tv).

کتاب‌خانه‌ها تنها برای کودکان نبود، چراکه آن‌ها محتوای کتاب‌های امانت‌گرفته‌شده را به خانه و والدینشان هم منتقل می‌کردند. خب کانون یک مرکزی بود برای آموزش فکری بچه‌ها ... آموزش جوان‌ها، باید فکرشان باز باشد، باید ببینند در دنیا چه می‌گذرد. کانون برای بچه‌ها تنها نبود. در هنگام بازدید از کتاب‌خانه‌ها با بچه‌ها که صحبت می‌کردیم، می‌گفتند کتاب‌ها را که می‌بریم به خانه‌ها برای پدر و مادرهایمان که سواد ندارند هم

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۹۳

می‌خوانیم (گفت‌وگوی ویژه رسانه افق ایران و تلویزیون اندیشه با فرح پهلوی
(youtube.com/watch).

این موضوع درباره سینما و فیلم هم صدق می‌کرد. هم‌زمان با برگزاری فستیوال فیلم کودکان، تعداد زیادی از کودکان مناطق جنوبی تهران با هزینه کانون و با اتوبوس به سینماهای ویژه نمایش فیلم کودکان برده می‌شدند (خدایی، مصاحبه با لیلی امیرارجمند، <https://www.hashure.com>). حسن حسندوست درباره فعالیت‌های کتاب‌خانه‌های کانون چنین می‌گوید: «برای من که بچه‌ای بودم که در محیط فقر بزرگ شده بودم، در جنوب شهر و در کوچه بازی می‌کردیم، سرووضع مناسبی نداشتیم، این فضا خیلی عجیب بود» (همان، مصاحبه با حسن حسندوست، <https://www.hashure.com>). دسترسی این کودکان و نوجوانان به کتاب‌خانه‌ها و مطالعه کتاب باعث شد تا شخصیت آن‌ها رشد پیدا کند و آن‌ها با مسائل کشور و حتی مسائلی که در جهان پیرامون آن‌ها می‌گذشت آشنا شوند. محسن بهشتی سرشت، از کسانی که خود در آن ایام به کتاب‌خانه‌های کانون رفت‌وآمد داشته است، در خاطراتش چنین بیان کرده است:

ما در قالب هیئت‌های مذهبی تلاش می‌کردیم که در مساجد نازی‌آباد نفوذ پیدا کنیم تا در آن‌جا بتوانیم کتاب‌خانه‌هایی تأسیس کنیم و از طریق کتاب و جذب دانش‌آموزان از سنین کلاس اول، که خواندن و نوشتن بلد بودند، فرهنگ سیاسی را گسترش بدهیم (خزائی ۱۴۰۰: ۹۳).

برطبق گزارش عملکرد کانون در سال ۱۳۵۶، تعداد کتاب‌های امانتی در مجموعه کتاب‌خانه‌های کانون در سراسر کشور بالغ بر ۴۰۲۰۲۳۱ و تعداد مطالعه‌کنندگان ۶۰۲۴۴۰۳ بوده است (گزارش سالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۵۳۶: ۱۱).

درمجموع، می‌توان گفت که کانون به‌طور غیرمستقیم در آگاهی‌بخشی و دادن بینش سیاسی به نوجوانان و جوانانی که به‌روش‌های مختلف با آن مرتبط بودند نقش داشته است. این آگاهی‌بخشی از طریق تولیدات فرهنگی کانون، ازجمله کتاب، تئاتر، فیلم، انیمیشن، و ... انجام شده است. این مسئله را افرادی که سال‌های متمادی در کانون مشغول به فعالیت بودند تأیید کرده‌اند. علی میرزایی، که مدیریت کتاب‌خانه‌ها را برای مدتی در کانون برعهده داشته، در کتاب خاطرات خود چنین نوشته است:

هدف کانون پرورش چریک نبود. حرف کانون این بود که اعضای کتاب‌خانه‌های کانون باید این‌قدر کتاب بخوانند، فیلم ببینند، شعر بخوانند، نقاشی کار کنند، بحث کنند که فکر و

ذهنشان پرورش پیدا کند، جاهل بار نیایند، توسری خور نباشند، اگر این کاری که کانون می‌کرد نامش هدایت سیاسی است، بله، ما این کار را می‌کردیم. اما اگر کسی بگوید ما هدایت سیاسی به‌سوی هدف ویژه یا در خدمت گروه و دسته و ایدئولوژی خاص می‌کردیم، بی‌خود می‌گوید (میرزایی ۱۳۹۳: ۱۲۲).

۷. نتیجه‌گیری

به‌عنوان یک نهاد فرهنگی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در طول دوره فعالیت خود، به‌علت بهره‌جستن از بهترین نویسندگان، مترجمان، و تصویرگران کشور و هم‌چنین به‌لحاظ شکل و محتوای آثار تولیدی خود، گوی سبقت را از دیگر ناشران ربود و با عنوان «قطع کانونی» مصداق کتاب مناسب برای کودکان و نوجوانان تلقی شد. کتاب‌های منتشرشده از سوی کانون در نمایشگاه‌ها و مسابقات بین‌المللی مورد استقبال قرار گرفتند و در حوزه‌های محتوایی و شکلی، جوایز زیادی را کسب کردند. حتی برخی از این کتاب‌ها در قالب قرارداد با ناشران مهم دیگر کشورها، به زبان‌های خارجی ترجمه و منتشر شدند. انتشارات کانون با سامان‌بخشی به حوزه کتاب کودک و نوجوان، چاپ آثار تألیفی نویسندگان ایرانی را بر ترجمه آثار خارجی اولویت بخشید و توانست بهترین نویسندگان و تصویرگران کتاب کودک را گرد هم آورد.

سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و آموزش در دوره پهلوی دوم با اعتقاد به این‌که بهترین زمان ممکن برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارها دوران کودکی است، سعی کردند در قالب محتوای کتاب‌ها، مفاهیم موردنظر را در کتاب‌های درسی و غیردرسی بگنجانند. ارزش‌نهادن به فرهنگ ایران کهن و باستان، میهن‌پرستی، حمایت از نهاد سلطنت، شاه‌دوستی، و معرفی دیگر سرزمین‌ها، اعم از اروپا، آفریقا، و آسیا و فرهنگ و سنت‌های بومی آن‌ها از جمله موضوعات و مفاهیمی بودند که به اشکال مختلف در کتب درسی و البته در کتب غیردرسی گنجانده شدند. البته کانون از انتشار کتب مذهبی هم غافل نبود و شش کتاب در این حوزه منتشر کرد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادبیات کودک را بسیار غنا بخشید و با تولید کتاب در حوزه‌های مختلف توانست کودکان و نوجوانان را به کتاب و کتاب‌خوانی علاقه‌مند کند. به تدریج فعالیت‌های کانون گسترش یافت و وارد دیگر عرصه‌های فرهنگی چون سینما، تئاتر، انیمیشن، گرافیک، و ... شد. تأسیس مرکز فیلم و سینمایی کانون و موفقیت‌های نسبی در عرصه‌های بین‌المللی باعث شد که کوشش‌های بیش‌تری برای جذب هنرمندان و فیلم‌سازان برتر کشور انجام شود و فیلم‌هایی با محتوای غنی تولید و عرضه شود.

اما در ارتباط با نظام پهلوی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم چون دیگر نهادهای فرهنگی در دوره پهلوی دوم، وظیفه مشروعیت بخشی به سلطنت و تداوم آن را با نهادهای ساختن مؤلفه های فرهنگی در حوزه آموزش و تعلیم و تربیت کودکان در قالب آموزش پنهان دنبال می کرد، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد غیر از این بود و کانون نتوانست به اهداف پنهان و مطلوب مورد نظر سیاست گذاران حکومت کمک چندانی بکند. عوامل متعددی در این مسئله دخالت داشتند. یکی از علت ها فعالیت گروه های چپ در کانون بود. اغلب روشن فکران این دهه گرایش های چپ داشتند، چنان که خود فرح و لیلی امیرارجمند هم به این تفکرات تمایل داشتند. روشن فکری در این دهه (هم چون اولین نسل روشن فکران) به پذیرش بی چون و چرای فرهنگ و تمدن غرب اعتقاد چندانی نداشت. احمد شاملو از جمله این افراد است. او ضمن این که از منتقدان سرسخت استالین بود، هم چنان معتقد بود که سوسیالیسم می تواند برای برآورده کردن امیدها و آرزوها مفید باشد. غیر از شاملو، نویسندگان و هنرمندان دیگری از جمله سیاوش کسرای، محمود دولت آبادی، غلامحسین ساعدی، هوشنگ ابتهاج، و ... نیز بودند که این گونه می اندیشیدند. بسیاری از روشن فکران چپ گرایی که در کانون مشغول بودند اعتقاد داشتند که باید به آداب و سنت های بومی اهمیت داد؛ در نتیجه، رویکرد سازمان انتشارات کانون توجه به فرهنگ کهن ایرانی بود. در این راستا مجموعه ای با عنوان مجموعه هنرهای ایرانی شامل قلم کاری، زربافی، قالی بافی، سفالگری، کاشی کاری، و ... طرح ریزی و منتشر شد. هم چنین قصه های عامیانه و اسطوره های ایرانی مورد استقبال قرار گرفت. توجه به سنت ها و جغرافیای سرزمینی ایران هم جزو این برنامه ها بود. این مفاهیم به اشکال مختلف و در قالب کتاب های نقاشی، شعر، داستان، و رمان گنجانده می شدند. به لحاظ موضوعی، از مجموع ۱۴۶ عنوان کتاب منتشر شده کانون، حدود ۳۸ درصد را قصه های ایرانی، هجده درصد را افسانه و اساطیر و ده درصد را شناخت سرزمین ایران تشکیل می داد. غیر از چپ گرایان مخالف حکومت، که در کانون مشغول بودند، طیف مذهبی شاغل در بخش های مختلف کانون نیز مخالف سیاست های رژیم بود. در سال های پایانی حکومت، این طیف توانست با بهره گیری از فضای نسبتاً آزاد، که در جامعه شکل گرفته بود، مخالفت خود را آشکارتر سازد. آن ها با سوق دادن کودکان و نوجوانان به مطالعه کتاب هایی که از نظر رژیم در زمره کتب مضره و مغایر با مصالح کشور تشخیص داده شده بود، سعی کردند که آن ها را با موج انقلابی گری و رهبری امام خمینی همراه و هم گام سازند. روحیه اعتراضی این طیف گاه به توهین آشکار به شخص محمدرضا شاه و مدیرعامل کانون هم می انجامید.

در ارتباط با جامعه ایران، کانون به‌طور ناخواسته و غیرمستقیم در ایجاد نارضایتی‌ها و آگاهی‌بخشی به قشر عظیمی از کودکان و نوجوانان نقشی مهم ایفا کرد. کانون و کارکنان آن هم‌چون دیگر سازمان‌ها، در اواخر دوران حکومت پهلوی، به صف انقلابیون پیوستند. اسناد ساواک و شهربانی حکایت از اعتصاب مرکز کانون در تهران و برخی از دیگر شهرها دارد.

نکته بعدی این است که فعالیت‌های کانون در آگاهی‌بخشی و دادن بینش سیاسی به نوجوانان و جوانانی که به‌روش‌های مختلف با آن مرتبط بودند نقش داشت. این موضوع توسط برخی از کارکنان خود کانون هم تأیید شده است. اغلب کتاب‌خانه‌های کودک در مناطق جنوبی شهرها و در مراکز عمومی، از جمله پارک‌ها، تأسیس شدند. دسترسی کودکان و نوجوانان به کتاب‌خانه‌ها و مطالعه کتاب باعث شد که شخصیت آن‌ها رشد پیدا کند و با مسائل کشور و حتی مسائلی که در جهان پیرامون آن‌ها می‌گذشت آشنا شوند. کتاب‌خانه‌های کانون در کنار دیگر کتاب‌خانه‌های عمومی و کتاب‌خانه‌هایی که در مساجد واقع بودند، مرکز تجمع جوانان تحول‌خواه و محل تربیت نیروهای سیاسی شد. ضمن این‌که نویسندگانی که در کانون مشغول بودند، با استفاده از زبان استعاره و در قالب داستان حیوانات، سعی داشتند مفاهیم موردنظر خود را به کودکان و نوجوانان منتقل کنند. برخی از کتاب‌های کانون نیز حاوی مفاهیم ظلم‌ستیزی بودند.

کتاب‌نامه

- آقامانی، مهدی (۱۳۹۴)، «بازخوانی پرونده تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، گفت‌وگو با لیلی امیرارجمند، رسانه افق/ایران، [youtube.com/watch](https://www.youtube.com/watch).
- آتویت، ویلیام و تام باتامور (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- احمدی، بتول (۱۳۵۱)، بررسی کتاب‌خانه‌های کودکان و نوجوانان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران: گروه کتاب‌داری دانشگاه تهران.
- استارک، رادنی (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی استارک، ترجمه نسرین طباطبایی و محمدرضا پورجعفری، تهران: ثالث.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ارشدی، کبوتر (۱۳۹۶)، «همه تلاش‌ها این بود که مرغک کانون زنده بماند؛ گفت‌وگو با غلامرضا امامی»، مجله فرهنگی و هنری آنگاه، ش ۲.

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۹۷

- امید، جمال (۱۳۷۴)، *تاریخ سینمای ایران*، ج ۱، تهران: روزنه.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک* (۱۳۷۸)، ج ۴، ۱۳، ۱۴، و ۱۸، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵)، *فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- بزرگیان، علی (۱۳۹۳ الف)، «غولی که خوابید؛ روایتی از فراز و فرود کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، *نشریه اندیشه پویا*، س ۳.
- بزرگیان، علی (۱۳۹۳ ب)، «خوش‌شانسی بزرگ؛ گفت‌وگو با پرویز کلانتری»، *نشریه اندیشه پویا*، س ۳.
- بزرگیان، علی (۱۳۹۳ ج)، «خاطراتی از پانزده سال حضور در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ گفت‌وگو با غلامرضا امامی»، *نشریه اندیشه پویا*، س ۳.
- بی‌بی‌سی فارسی (مرداد ۱۳۹۴)، گفت‌وگو با لیلی امیرارجمند، نخستین مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: <<https://www.bbc.com/persian/arts>>.
- پارسا نژاد، داریوش (۱۳۹۶)، *جریان‌های فکری حاکم بر تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با روش تاریخ شفاهی*، تهران: دانشکده هنر و معماری دانشگاه علم و فرهنگ.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۵۳)، «برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران»، *فصل‌نامه فرهنگ و زندگی*، ش ۱۵.
- پیمان و پیوند (۲۰۳۵)، تهران: سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- تلویزیون اندیشه (۱۳۹۴)، مصاحبه با لیلی امیرارجمند در آمریکا.
- چرخچی، مرجان (۱۳۹۶)، «کانون به روایت ایرانیکا؛ ترجمه‌ای برگرفته از مدخل کانون دانش‌نامه ایرانیکا»، *مجله فرهنگی و هنری آنگاه*، ش ۲.
- حکمت و سیاست؛ گفت‌وگو با دکتر سیدحسین نصر (۱۳۹۳)، به‌کوشش حسین دهباشی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- خدایی، خاطره (۲۰۱۵)، مصاحبه با حسن حسندوست، فیلم مستند «نقش کانون در سینمای ایران در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰»، پایان‌نامه مقطع دکتری: <<https://www.hashure.com>>.
- خدایی، خاطره (۲۰۱۵)، مصاحبه با لیلی امیرارجمند، فیلم مستند «نقش کانون در سینمای ایران در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰»، پایان‌نامه مقطع دکتری: <<https://www.hashure.com>>.
- خزائی، یعقوب (۱۴۰۰)، *از نازی‌آباد تا زندان قصر؛ خاطرات شفاهی دکتر محسن بهشتی سرشت* (۱۳۳۵-۱۳۵۷ ش)، تهران: نگارستان اندیشه.
- دیور، منصور (۱۳۶۱-۱۳۶۲)، *تحلیل محتوای کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دو مرحله پیش و پس از انقلاب اسلامی*، تهران: مجتمع دانشگاهی هنر.
- رحیمی، فروغ (۱۳۸۷)، «تاریخچه، ساختار و تشکیلات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» *ماه‌نامه اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی*، س ۲، ش ۷.

۱۹۸ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

رسانه افق ایران و تلویزیون اندیشه (۱۳۹۴)، «گفت‌وگوی ویژه با فرح پهلوی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»: <youtube.com/watch>

روزنامه آیندگان، ش ۷۹، چهارشنبه مورخ ۱۳۴۶/۱۲/۳۰.

روزنامه اطلاعات، س ۴۵، ش ۱۳۳۰۳، چهارشنبه ۱۳۴۹/۷/۱.

روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۱۵۸، پنجشنبه ۱۳۴۵/۹/۲۴.

روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۳۶۷، یکشنبه مورخ ۱۳۴۶/۶/۵.

روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۵۵۵، چهارشنبه مورخ ۱۳۴۷/۱/۲۱.

روزنامه اطلاعات، ش ۱۳۲۷۷، دوشنبه مورخ ۱۳۴۹/۶/۲.

روزنامه رستاخیز، ش ۱۰۳۹.

روزنامه کیهان، ش ۱۰۵۹۰، پنجشنبه مورخ ۱۳۵۷/۷/۲۷.

روزنامه کیهان، ش ۱۰۸۹، چهارشنبه ۱۳۵۷/۷/۲۶.

ریتزر، جورج (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.

زنان دربار به روایت اسناد ساواک؛ لیلی امیرارجمند (۱۳۸۳)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

شریفی، سعید (۱۳۷۷)، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۴-۱۳۵۷)»، فصل‌نامه گفت‌وگو، ش ۹.

طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۲)، «از شورای کتاب کودک تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۱-۱۳۵۷)»، فصل‌نامه گنجینه اسناد، ش ۵۱ و ۵۲.

طوفانی اصل، وحید (۱۳۶۹)، مقایسه کمی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۷ و ۱۳۵۸-۱۳۶۷، تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.

علی‌اکبر صادقی (۲۰۳۵)، درخت سایه‌گستر، تهران: سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

فصل‌نامه پویه (۱۳۵۶)، ش ۶.

فولادوند، مرجان (۱۳۸۵)، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، دایرةالمعارف کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، ج ۲؛ زیرنظر فریبرز خسروی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳۲۱.

قاضی، محمد (۱۳۷۱)، خاطرات یک مترجم، اصفهان: زنده‌رود.

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۹۹

قانع‌راد، عرفان (۱۳۹۱)، در دامگه حادثه؛ گفت‌وگو با پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک، لس‌آنجلس: شرکت کتاب.

کابینه حسنعلی منصور به‌روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴)، ج ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

کارنامه‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره‌ی هفتم، ش ۹، آذر ۱۳۵۳.

کارنامه‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره‌ی یازدهم، ش ۱، فروردین ۱۳۵۷.

کارنامه‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره‌ی هشتم، ش ۱۲، اسفند ۱۳۵۴.

کارنامه‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره‌ی دهم، ش ۱، فروردین ۱۳۵۱.

کهن دیارا؛ خاطرات فرح پهلوی (۱۳۸۸)، تهران: فرزاد.

کیانیان، داود (۶ آبان ۱۳۹۷)، مصاحبه با آقای منصور خلج، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آرشیو تاریخ شفاهی.

گزارش سالانه‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۵۳۶)، تهران: انتشارات دفتر اطلاعات و روابط عمومی.

گزارش سالانه‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۵۲۸)، تهران: انتشارات دفتر اطلاعات و روابط عمومی.

گوهرزاد، رضا (بی‌تا)، مصاحبه با لیلی امیرارجمند: <andisheh.tv>.

لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالکریم سروش، تهران: صراط.

ماه‌نامه‌ی شورای کتاب کودک (اسفند ۱۳۴۲)، س ۱، ش ۶.

مجله‌ی آموزش و پرورش (اردیبهشت ۱۳۴۹)، دوره‌ی ۳۹، ش ۸.

مجله‌ی فرهنگی و هنری آنگاه (بهار ۱۳۹۶)، ش ۲.

محمدی، مریم (۱۳۷۹)، بررسی نقش حیوانات در داستان‌های فارسی کودکان منتشره‌ی قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵-۱۳۷۸)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شمال.

مثقالی، فرشید (۱۳۸۱)، «گزارش پانزدهمین نشست نقد آثار تصویری»، کتاب ماه کودک و نوجوان، س ۶، ش ۲.

مسعودی‌ها به‌روایت اسناد ساواک (۱۳۹۲)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره‌ی ۲۱، ج ۲۱۶، سه‌شنبه مورخ ۱۳۴۴/۹/۲.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره‌ی ۲۱، ج ۲۸۹، پنج‌شنبه مورخ ۱۳۴۵/۷/۲۱.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره‌ی ۲۲، ج ۱۹، سه‌شنبه مورخ ۱۳۴۶/۹/۱۸.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره‌ی ۲۲، ج ۲۰، سه‌شنبه مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۵.

۲۰۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

میرزایی، علی (۱۳۹۹)، یک شاخه در سیاهی جنگل: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷، تهران: نگاره آفتاب.

والاس، روث ا. و الیسن والف (۱۳۹۶)، نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی؛ گسترش سنت کلاسیک، ترجمه مهدی داودی، تهران: ثالث.

همتی آهویی، ابوالفضل (مسئول واحد گرافیک کانون) (۲۳ اسفند ۱۳۸۲)، آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

اسناد

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۷۱۳۰۹-۲۹۳؛ سند شماره ۱۱۸۲۵-۲۹۳، سند شماره ۴۵۴۹۳-۲۲۹۷.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲، ص ۳؛ شماره بازیابی ۸۴۷۶۵، صفحات ۳۰، ۳۷، ۳۹، ۲۳-۲۵، ۲۹، ۳۳۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۷۴، ۱۶۶، ۱۸۹-۱۹۳، ۲۱۲، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۶۸، ۲۶۹؛ شماره بازیابی ۳۱۶، ص ۱۳ و ۱۴؛ شماره بازیابی ۲۰۶۱، ص ۳۲؛ شماره بازیابی ۷۲۶، ص ۱۰۸-۱۱۰؛ شماره بازیابی ۷۲۵، ص ۶۰ و ۶۱؛ شماره بازیابی ۸۰۴۴۰، ص ۳۴.

آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۸۲۸۸۳

Mohseni Ardehali, Salma (2014), "A Light in the Darkness, A Glance on an Iranian Theatre and Puppet Theatre Center", *Puppetry International Magazine*, p. 2.

Milani, Abbas (2008), *Eminent Persians: Men and Women Who Made Modern Iran 1941-1979*, Syracuse University Press, Syracuse, NY, 2 volumes, p. 838.